

منطق

۱۲ < ۴

منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و هیچ‌کس ابداع‌کننده‌ی آن نیست. پس نمی‌توان ارسطو را ابداع‌کننده‌ی منطق دانست. کاری که او انجام داد، این بود که طرز کار خدادادی ذهن را کشف کرد، مدون نمود و به دیگران نشان داد که ذهن چگونه فعالیت می‌کند، چطور به اشتباه می‌افتد و چگونه می‌توان برخی از این اشتباهات را جبران کرد. بنابراین او کاشف قواعد منطق است نه طراح آن؛ همان‌طور که نیوتن کاشف جاذبه است نه سازنده‌ی آن.

۱۳ < ۱

مقصود از نطق، سخن گفتن نیست بلکه مقصود، تفکر و تعقل است که در سخن گفتن تجلی می‌کند و خود را نشان می‌دهد. پس اگر ارسطوئیان گفته‌اند که انسان «حیوان ناطق» است، خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند.

۱۴ < ۳

منطق، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است و ما تنها می‌توانیم این قوانین را کشف کنیم و با تأکید بر آن‌ها، سریع‌تر، بهتر و دقیق‌تر بیندیشیم.

۱۵ < ۱

ملاک برتری انسان بر دیگر مخلوقات، قدرت تفکر و اندیشه است که معمولاً در کتاب‌های منطقی و فلسفی از آن به نطق یاد می‌کنند. منطق، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است و ما انسان‌ها تنها می‌توانیم این قوانین را کشف کنیم و با تأکید بر آن‌ها سریع‌تر، بهتر و دقیق‌تر بیندیشیم. کاری که ارسطو انجام داد این بود که طرز کار خدادادی ذهن را کشف کرد، مدون نمود و به دیگران نشان داد که ذهن چگونه فعالیت می‌کند، چطور به اشتباه می‌افتد و چگونه می‌توان برخی از این اشتباهات را جبران کرد. بنابراین او کاشف قواعد منطق است نه طراح آن.

۱۶ < ۳

ما چه بخواهیم چه نخواهیم موجودی متفکر هستیم. فکر می‌کنیم و با فکر کردن کارهای خود را انجام می‌دهیم (اساس اندیشیدن غیرارادی است). نقش دانش منطق بهره‌برداری بهتر از این فرآیند طبیعی است.

۱۷ < ۲

روح و جسم هر دو فعالیتی هدف‌دار و قانونمند دارند و تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است.

۱۸ < ۲

منطق ما را با طرز کار ذهن آشنا می‌کند و همین آشنایی، ما را در درست اندیشیدن یاری می‌نماید و مانع بروز برخی اشتباهات در هنگام تفکر می‌گردد.

۱۹ < ۲

منطق بیان قواعدی است که انسان به‌طور طبیعی در هنگام فکر کردن آن‌ها را به‌کار می‌برد.

۱ < ۱

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، موجودی متفکر هستیم (غیر ارادی بودن تفکر). ذهن با اندیشه کردن زنده است. منطق ما را با طرز کار ذهن آشنا می‌کند و همین آشنایی، ما را در درست اندیشیدن یاری می‌نماید و مانع بروز برخی اشتباهات در هنگام تفکر می‌گردد.

۲ < ۲

منطق ما را با طرز کار ذهن آشنا می‌کند و همین آشنایی ما را در درست اندیشیدن یاری می‌نماید.

۳ < ۲

ملاکی که برای برتری انسان بر سایر موجودات، همواره در طول تاریخ تکرار شده و عمومیت یافته قدرت تفکر و اندیشه است.

۴ < ۴

ارسطو فیلسوف بزرگ یونان در سده‌ی چهارم قبل از میلاد است. وی را معلم اول نیز می‌نامند.

۵ < ۳

در کتاب‌های منطقی و فلسفی از «قدرت تفکر و اندیشه‌ی بشر» به نطق یاد می‌کنند. مقصود از نطق، سخن گفتن نیست بلکه مقصود، تفکر و تعقل است که در سخن گفتن تجلی می‌کند و خود را نشان می‌دهد.

۶ < ۱

تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و منطق، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است.

۷ < ۳

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم موجودی متفکر هستیم، فکر می‌کنیم و با فکر کردن، کارهای خود را انجام می‌دهیم. نقش دانش منطق بهره‌برداری بهتر از فرآیند طبیعی تفکر است.

۸ < ۲

اگر ارسطوئیان گفته‌اند که انسان «حیوان ناطق» است، خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه در ساختار وجود انسان را نشان دهند.

۹ < ۴

در تاریخ فلسفه به کسانی که مبانی اصلی فلسفه‌ی ارسطو را پذیرفته‌اند، ارسطوئیان می‌گویند.

۱۰ < ۲

مقصود از «نطق» در جمله‌ی «انسان حیوان ناطق است» تفکر و تعقل است که در سخن گفتن تجلی می‌کند و خود را نشان می‌دهد.

۱۱ < ۳

منطق، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است. منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و هیچ‌کس ابداع‌کننده‌ی آن نیست.

۳ < ۲۰

منطق دانشی است که طرز کار ذهن را در عمل تفکر تشریح می‌کند تا انسان با آگاهی از طرز کار ذهن، بهتر از آن استفاده نماید. انسان قواعد اندیشه را کشف می‌کند نه طراحی.

۴ < ۲۱

ذهن با اندیشه کردن زنده است و کاری جز تفکر ندارد. این تفکر ضوابطی دارد که ذهن به‌طور طبیعی آن را رعایت می‌کند. کشف این ضوابط و نشان دادن کاربردهای آن در تفکر و این‌که چه عواملی باعث تسریع و بهبود تفکر و چه چیزهایی باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود، به علم منطق مربوط می‌شود.

۳ < ۲۲

منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و هیچ کس ابداع‌کننده‌ی آن نیست. منطق، فقط ما را با طرز کار ذهن آشنا می‌کند و همین آشنایی ما را در درست اندیشیدن یاری می‌نماید و مانع بروز برخی اشتباهات در هنگام تفکر می‌گردد.

۲ < ۲۳

ارسطو، فیلسوف بزرگ یونان در سده‌ی چهارم قبل از میلاد است که وی را معلم اول نیز می‌نامند. ارسطوئیان که پیروان ارسطو هستند و مبانی فلسفه‌ی ارسطو را پذیرفته‌اند، اگر گفته‌اند که «انسان حیوان ناطق است» خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند.

۴ < ۲۴

منطق برنامه‌ای نیست که یک دانشمند بسازد و به دیگران بگوید این‌گونه فکر کنید و با این روش بیندیشید.

۳ < ۲۵

ذهن با اندیشه کردن زنده است و کاری جز تفکر ندارد. این تفکر ضوابطی دارد که ذهن به‌طور طبیعی (غیراکتسابی) آن را رعایت می‌کند؛ کشف این ضوابط و نشان دادن کاربرد آن‌ها از تفکر و این‌که چه عواملی باعث تسریع و بهبود تفکر و چه چیزهایی باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود، به علم منطق مربوط است.

۳ < ۲۶

همان‌طور که قلب بدون تصمیم‌گیری ما کار می‌کند (غیراکتسابی است)، ذهن هم چه بخواهیم و چه نخواهیم و چه بدانیم و چه ندانیم، با اندیشه کردن زنده است و کاری جز تفکر ندارد و غیراکتسابی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) نادرست؛ زیرا هرچند فعالیت قلب و ذهن هیچ‌یک در اختیار انسان نیست اما دانش می‌تواند در نحوه‌ی کارکرد هر دو مؤثر باشد؛ چنان‌که رعایت بهداشت و سلامتی قلب در حفظ آن و رعایت اصول تفکر صحیح، در جلوگیری از خطا مؤثر است.

۲ و ۴) نادرست؛ زیرا وجود فعالیت فکری و قوانین مربوط به آن، ضرورتاً تابع آگاهی و توجه انسان نیست و غیراکتسابی است.

۴ < ۲۷

«تصور مجهول» را باید از تصورات معلوم (اندوخته‌های تصویری) و «تصدیق مجهول» را باید از تصدیق‌های معلوم به دست آورد.

۴ < ۲۸

منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و هیچ کس ابداع‌کننده‌ی آن نیست. بنابراین نمی‌توان ارسطو را ابداع‌کننده‌ی منطق دانست بلکه او کاشف منطق است. تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است و منطق، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است و ما تنها می‌توانیم این قوانین را کشف کنیم و با تأکید بر آن‌ها سریع‌تر، بهتر و دقیق‌تر بیندیشیم. کاری که برای رسیدن به چستی یک مفهوم و یک تصور انجام می‌دهیم تعریف می‌گویند.

۳ < ۲۹

هدف منطق آن است که شیوه‌ی درست اندیشیدن، یعنی درست تعریف کردن و درست استدلال کردن، را نشان دهد.

۳ < ۳۰

تمام فعالیت‌های ذهن بشر، علی‌رغم گستردگی و پیچیدگی آن، یا برای این است که تصورات مجهول را با اندوخته‌های تصویری‌اش روشن کند که تعریف نام دارد و یا برای آن است که احکام و قضایا را آن‌گونه سازماندهی کند که به نتایج جدید برسد که استدلال نامیده می‌شود.

۲ < ۳۱

ابونصر محمد فارابی، حکیم عالی‌قدر مسلمان، برای اولین بار تقسیم بندی علم به تصور و تصدیق را بیان کرد و مورد قبول حکیمان و منطق‌دانان پس از وی قرار گرفت.

۴ < ۳۲

اقرار به واقعیت یا عدم واقعیت یک مفهوم با استفاده از تصدیق است. تعریف، چیزی است که چستی یک مفهوم و یک تصور را مشخص می‌کند.

۱ < ۳۳

کاری که برای رسیدن به چستی یک مفهوم و یک تصور انجام می‌دهیم، تعریف نام دارد. بنابراین، این تعریف، تعریف نادرستی است.

۱ < ۳۴

در هنگام «تصور یک مفهوم» است که کاری نداریم آن مفهوم واقعیت دارد یا ندارد؛ در این حالت به همان تصور می‌اندیشیم و درباره‌ی واقعیت داشتن یا نداشتن آن یا ارتباط آن با سایر موجودات سخنی و جمله‌ای نمی‌گوییم. اما وقتی با «واقعیت مفهوم» سر و کار پیدا می‌کنیم، پای یک تصدیق به میان می‌آید. در تصدیقات، حکم و قضاوت وجود دارد.

۴ < ۳۵

تفکر برای رسیدن به دانش و شناخت است. انسان فکر می‌کند و با فکر کردن به شناخت‌های جدید می‌رسد و علم خود را توسعه می‌دهد. ارسطو کشف کرد که تمام فعالیت‌های ذهن بشر علی‌رغم گستردگی و پیچیدگی آن یا برای این است که تصورات مجهول را با اندوخته‌های تصویری‌اش روشن کند و یا برای آن است که احکام و قضایا را آن‌گونه سازماندهی نماید که به نتایج جدید برسد. اولی تعریف و دومی استدلال است.